



امید ۳ بیمار به ادامه زندگی

خانواده یک نوجوان ۱۵ ساله مرگ مغزی در آبادیه با اقدامی خداپسندانه اعضای بدن فرزندشان را اهدا کردند تا سه بیمار نیازمند به زندگی دوباره باز گردند.

عمل پیوند عضو بیمار مرگ مغزی نوجوان ۱۵ ساله در بیمارستان تخصصی پیوند اعضای ابوعلی سینا شیراز، انجام شد. مهدی آبادیه نوجوان ۱۵ ساله بود که بر اثر سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شده‌بود و ابتدا به بیمارستان امام خمینی آبادیه و سپس به بیمارستان ابوعلی سینا شیراز منتقل و اعضای حیاتی‌اش شامل کبد، دو کلیه و لوزالمعده به سه بیمار مرد پیوند شد. دکتر محمد کشاورز، رئیس بیمارستان امام خمینی (ره) آبادیه، گفت: «رضایت به‌موقع خانواده بیمار مرگ مغزی می‌تواند زمینه‌ساز نجات جان هشت بیمار نیازمند پیوند باشد و در صورت استفاده از تمامی بافت‌ها، حتی ۵۲ نفر از معلولیت نجات یابند.»

متهم:

قصد قتل نداشتم

جلال مهرگان

زنی به نام مژگان که متهم است شوهر ۴۰ساله‌اش را باضربه به چاقو به قتل رسانده، در جلسه دادگاه گفت که شوهرش شکاک بوده با این حال قصد قتل نداشته‌است.

یک‌سال‌وونیم پیش مأموران پلیس تهران به تماس کارکنان بیمارستان در تهران در جریان مرگ مردی ۴۰ ساله قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان داد او بر اثر اصابت ضربه چاقو مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان جان باخته و همسرش، مژگان، هنگام انتقال مصدوم به بیمارستان همراه وی بوده‌است. زن جوان همان ابتدا اعتراف کرد: «ضارب خودم هستم، اما قصد کشتن شوهرم را نداشتم.»

اعترافات تلخ زن متهم

با کامل‌شدن تحقیقات بازپرس، مژگان را به اتهام قتل مجرم شناخته و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک تهران ارجاع شد. در جلسه محاکمه، کیفرخواست علیه متهم قرائت شد. سپس مژگان در برابر فوت پدرم، مینی‌بوسی از او به ارت جاییگاه حاضر شد و گفت: «چند سال پیش بعد از فوت پدرم، مینی‌بوسی از او به ارت بردم و به دنبالش راننده‌ای بی‌بدم تا خودم زندگی‌ام تأمین شود. یکی از آشنایان حجت را معرفی کرد. ابتدا رابطه کاری داشتیم، اما بعداهاش هم شدیم و با وجود اختلاف ۲۵ سال سن، ازدواج کردیم.»

او ادامه داد: «محمد مردی به شدت شکاک بود. مدام گوهشی من را چک می‌کرد و سر پیام‌ها و تماس‌ها دعوا به پا می‌شد. روز حادثه وقتی مشغول درست کردن سالاد بودم و هم‌زمان به پیامی جواب می‌دادم، دوباره مشاجره شروع شد. محمد به من حمله کرد. برای دفاع از خودم چاقو را در دست گرفتم، اما ناخواسته به بدنش خوردم. اصلاً قصد قتل نداشتم. همان لحظه هم با اورژانس تماس گرفتم، ولی دیگر دیر شده‌بود.»

مژگان که به گفته خودش به بیماری آب‌مروارید مبتلاست و دید ضعیفی دارد، افزود: «در آن لحظه حتی ندیدم ضربه به کجا خورد. اگر او را نمی‌خواستم، هیچ وقت با این همه اختلاف سنی ازدواج نمی‌کردم، اما نمی‌توانستم هم جدا شوم چون او نان آور زندگی‌ام بود.»

جای خالی ولی‌دم

در این پرونده تنها مادر مقتول به عنوان ولی‌دم شناخته می‌شود. او در مراحل تحقیقات حاضر نشد خواسته خود را مطرح کند. اما دادستانی با استناد به مدارک موجود، صدور حکم قصاص را خواستار شد. دفاعیات وکلا و پایان جلسه در ادامه جلسه، وکیل مدافع متهم با ارائه توضیحاتی بر بی‌گناهی موکل خود تأکید کرد و قتل را ناشی از دفاع مشروع دانست. در پایان جلسه، هیئت قضایی برای صدور حکم وارد شور شد.

حسین فصیحی

دختر بچه هفت ساله‌ای که هنوز طعم نشستن پشت نیمکت مدرسه را نتجشیده‌بود، با سقوطی ناگهانی در استخر ویلایی حوالی کردان دچار مرگ مغزی شد، اما تصمیم بزرگ پدرش، سرنوشت این قصه تلخ را تغییر داد. اعضای بدن اسما عبداللهی به بیمارآن نیازمند اهدا شد تا سه نفر در آستانه خاموشی، دوباره فرصت نفس کشیدن بیابند.

علیرضا عبداللهی، پدر اسما، روز حادثه را این‌گونه روایت می‌کند: «چهارشنبه ۱۹ شهریور مصادف با میلاد پیامبر رحمت همراه خانواده و دوستان در ویلایی اطراف کردان بودیم. صبح فردا در حال آماده کردن صبحانه بودیم. اسما از راه مخفی وارد استخر شد و ما متوجه نشدیم. لحظه‌ای دیدم خبری از او نیست. به دنبالش رفتم و دیدم روی آب شناور است. خودم را به آب زدم، او را بیرون کشیدیم و احیای اولیه را شروع کردیم. اورژانس آمد، اما حال اسما هر لحظه بدتر شد. ابتدا به بیمارستان امام صادق هشتگرد و بعد بیمارستان امام علی کرج منتقلش کردند، اما بعد از چند روز پزشکان گفتند به مرگ مغزی مبتلا شده‌است.»

دختری باهوش و پر از استعداد

پدر در حالی که اشک در چشمانش حلقه می‌زند، از زندگی کوتاه اما پر بار دخترش می‌گوید: «اسما فوق‌العاده باهوش بود. از طریق یوتیوب زبان انگلیسی یاد گرفته بود و حتی با لهجه صحبت می‌کرد. ترانه‌های محسن چاوشی را از بر داشت و مدام می‌خواند. لباس مدرسه‌اش را پرو کرده و آماده آغاز سال تحصیلی بود. وقتی به کانون زبان بردمش، گفتند سطح زبان انگلیس‌اش عالی است،

غلامرضا مسکنی

دو مرد جوان که به اتهام قتل زن ۸۳ساله به قصاص محکوم شده‌بودند، پس از گذشت خانواده مقتول از چوبه‌دار نجات یافتند، اما چند ماه بعد سرنوشت آنها را در مسیری دیگر برد: یکی در دریا غرق شد و دیگری پس از مرگ مغزی با اهدای اعضایش به بیماران زندگی دوباره بخشید.

یکی از روزهای آذرماه سال ۱۳۹۴ به مأموران پلیس یکی از شهرهای استان سیستان و بلوچستان خبر رسیدن زنا‌سالخردهای به طرز مرموزی در خانه‌اش فوت کرده‌است.

سرقت مرگبار

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران به محل حادثه، خانه ویلایی در یکی از خیابان‌های شهر رفتند و در اتاق خواب با جسد زن ۸۳ ساله‌ای به نام گوهر روبه‌رو شدند که دست و پایش با طناب بسته و روی تخت رها شده‌بود.

به هم ریختگی وسایل خانه، سرقت جواهرات وی و آثار خفگی روی گردنش حکایت از آن داشت که سارق یا سارقانی به خانه پیرزن دستبرد زده و پس از سرقت اموالش او را خفه کرده‌اند.

زن تنها

یکی از فرزندان مقتول که حادثه را به پلیس خبر داده‌بود، گفت: «مادرم پس از فوت پدرم در این خانه تنها زندگی می‌کرد. او نیاز به مراقبت نداشت و کارهایش را خودش انجام می‌داد و در این چند سال ما فقط به او سر می‌زدیم. یا برای مدتی او را به خانه‌مان می‌بردیم. امروز هر چقدر با مادرم تماس گرفتم، جواب نداد که نگران شدم و همراه برادر و خواهرانم به خانه او آمدم. وقتی وارد خانه شدیم همه وسایل به هم ریخته بود و در ادامه هم در اتاق خواب با جسد بی‌جان مادرمان روبه‌رو شدیم. الان متوجه شدیم عامل با عاملان قتل برای سرقت وارد خانه مادرمان شده و پس از سرقت طلاهایش از محل فرار کرده‌اند.»

قاتل آشنا

کارآگاهان پلیس جانیایی در تحقیقات فنی خود خیلی زود فهمیدند که این قتل نمی‌تواند کار سارقان غریبه‌ای باشد. سالم بودن قتل در مقاومت نکردن مقتول در برابر سارقان همه

اسما خاموش شد، امید روشن ماند

هر چند هنوز خواندن و نوشتن نمی‌دانست. اما درک عمیقی از آدم‌ها و طبیعت پیدا کرده بود.»

تصمیم بزرگ در دل داغ

وقتی پزشکان مرگ مغزی اسما را تأیید کردند، پیشنهاد اهدای عضو مطرح شد. عبداللهی می‌گوید: «می‌دانستم سخت‌ترین تصمیم عمرم است، اما قبول کردم. نمی‌خواستم خانواده دیگری داغدار شود. قلب اسما به دلیل آسیب‌دیدگی قابل پیوند نبود و با دو دفن شد، اما کبد و دو کلیه‌اش به سه بیمار نیازمند اهدا شد؛ یک خانم ۲۲ساله و دو کودک. حالا خوشحالم که زندگی دخترم ادامه دارد، هر چند در بدن‌های دیگری.»

نامی که جاودانه شد

پدر اسما می‌گوید مراسم خاکسپاری و هفت او در کاشان با شکوه برگزار شد: «جمعیت زیادی برای بدرقه‌اش آمدند. حالا هم کمیتهی راه انداخته‌ایم که هزینه مراسم چهل‌م او صرف آزادی زندانیان نیازمند شود. می‌خواهم نام اسما با خیر ماندگار شود. حتی خودم هم وصیت کرده‌ام اعضای بدنم بعد از مرگ اهدا شود.»

پیامی برای مردم

عبداللهی در پایان می‌گوید: «توصیه‌ام این است که همه خانواده‌ها مراقب فرزندان‌شان باشند تا در چنین شرایطی قرار نگیرند، اما اگر روزی در چنین موقعیتی قرار گرفتند، بدانند که با اهدای عضو می‌توانند زندگی تازه‌ای به دیگران ببخشند. فرهنگ اهدای عضو باید از کودکی در جامعه نهادینه شود. اسما گرچه کوتاه زیست، اما زندگی سه نفر دیگر را نجات داد و نامش با ایثار و نועودستی گره خورد.»

منتقل کردند.

اعتراف

متهم که ابتدا خود را بی‌گناه می‌دانست، وقتی با مدارک و شواهد روبه‌رو شد، لب به اعتراف گشود و همدستی برادر را نیز معرفی کرد.

او اعتراف کرد که در ابتدا قصدشان فقط سرقت بوده‌است، اما وقتی نگران شناسایی شدن توسط زن تنها شدند، او را خفه و طلاها را سرقت کردند.

متهم در ادعایی گفت: «وضع مالی‌ام خوب بود و در کار واردات لوازم خودرو فعالیت داشتم، اما شریکم تمام سرمایه‌ام را برداشت و فرار کرد. از آن زمان زندگی‌ام از هم پاشید و روزهای خوشم تمام شد. زندگی‌ام به فقر رسید و با شرایط دشواری روبه‌رو شدم. خیلی تلاش کردم به روزهای خوب کاری‌ام، برگردم، اما سرمایه‌ای نداشتم و کسی هم کمکی به من نکرد. شرایط روحی و مالی بسیار بدی داشتم تا اینکه یک شب در میهمانی خانوادگی شنیدم یکی از بستگان دور پدرم به نام گوهر طلا و جواهراتش را داخل بالش پنهان می‌کرد. همین جمله وسوسه سرقت را در من ایجاد کرد. چون گوهر زن تنهایی بود و من او را می‌شناختم، تصور کردم سرقت اموال او راحت‌است. موضوع را با دوستم بهرادر در میان گذاشتم و او هم که وضع مالی خوبی نداشت، پذیرفت همراهی‌ام کند.»

ترس از شناسایی

متهم ادامه داد: «قرار ما فقط سرقت بود، اما برای اینکه شناسایی نشویم، او را به قتل رساندیم. وقتی وارد خانه زن تنها شدیم، دست و پایش را با طناب بستیم که مرا از روی صدایم شناخت. ترسیدیم و همان لحظه تصمیم گرفتیم، نقشه را تغییر دهیم و او را

متهم ادامه داد: «قرار ما فقط سرقت بود، اما برای اینکه شناسایی نشویم، او را به قتل رساندیم. وقتی وارد خانه زن تنها شدیم، دست و پایش را با طناب بستیم که مرا از

روی صدایم شناخت. ترسیدیم و همان لحظه تصمیم گرفتیم، نقشه را تغییر دهیم و او را

بکشیم. روسری‌اش را دور گردنش انداختیم و با همکاری هم، او را خفه و سپس طلا و جواهراتش را سرقت کردیم. فکر نمی‌کردیم راز سرقت مرگبار ما فاش شود، اما اشتباه کردیم و الان هم به شدت پشیمان هستیم و امیدواریم اولیای‌دم ما را ببخشند.»

بخشش

دو متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه قتل، راهی زندان شدند. پرونده پس از تکمیل تحقیقات روی میز قضایی دادگاه کیفری یک استان قرار گرفت و هر دو متهم به اتهام مباشرت در قتل عمد به قصاص نفس محکوم شدند. با تأیید حکم در دیوان عالی کشور، حکم قصاص برای اجرای به شعبه اجرای احکام فرستاده‌شد و شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز شد.

اما درست در روزهایی که چوبه دار در انتظار آنها بود، تلاش‌های خیرین و روحانیون شهر برای گرفتن رضایت اولیای‌دم به ثمر نشست، خبرهایی که از زندان می‌رسید، از جمله توبه متهمان، حفظ قرآن و فعالیت‌های خیرخواهانه، باعث شد خانواده مقتول دلشان نرم شود و دو متهم را به شرط پرداخت دیه ببخشند. اولیای‌دم اعلام کردند دو قاتل را دیه ببخشند و دیه را صرف کمک به افراد نیازمند می‌کنند. با اقدام خداپسندانه فرزندان مقتول دو قاتل پس از ۱۰ سال از زندان آزاد شدند.

سرنوشت تلخ

دو قاتل پس از آزادی به زندگی دوباره بازگشتند، اما خبر نداشتند سرنوشت تلخی در انتظار آنها است. سه ماه پس از آزادی، هر مز که به همراه خانواده به شمال کشور سفر کرده‌بود، هنگام شنا در دریا غرق شد و جانش را از دست داد. بهرادر هم در کمتر از یک

سال بعد از بخشش نیز در حادثه‌ای عجیب هنگام چیدن میوه از بالای درخت سقوط کرد

و دچار مرگ مغزی شد و فوت کرد. خانواده‌او تصمیم گرفتند اعضای بدنش را اهدا کنند تا

جان بیمارآن نیازمند نجات یابد.

هر چند سرنوشت، دو قاتل را پس از بخشش و آزادی از زندان دوباره به کام مرگ برد، اما همین گذشت و اجرا نشدن حکم قصاص باعث شد اعضای بدن یکی از آنها به بیمارآن نیازمند اهدا شود و جان چند نفر نجات پیدا کند.

یادداشت

فعال ماندن شبکه کلاهبرداری در خیابان‌ها و جاده‌ها



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

حادثه تلخ مرگ «نگار»، دختر تهرانی که بر اثر آتش‌سوزی خودروی شخصی‌اش جان باخت، بار دیگر زنگ خطر یک معضل نگران کننده را به صدا درآورد؛ امداد خودروهای قا‌لابی. تحقیقات پلیس نشان داد مجرمی سابقه‌دار با دستکاری بمب‌بزنین خودرو عامل این آتش‌سوزی مرگبار بوده‌است؛ فردی که در پوشش امداد خودرو، خودروهای پارک‌شده را دستکاری می‌کرد و هنگام توقف راننده در مسیر، خود را به عنوان متنی جا می‌زد. این پرونده هولناک پرسش‌های مهمی را مطرح می‌کند از جمله اینکه چه تعداد از رانندگان دیگر قربانی ترندند مشابه شده‌اند و چرا هنوز این خرجه مجرمانه در خیابان‌ها و جاده‌های

کشور ادامه دارد؟ بسیاری از مشکلاتی که در ظاهر تصادفی به‌نظر می‌رسند، در واقع حاصل سناریوی طراحی‌شده مجرمان است. برخی افراد سودجو با ایجاد اختلال عمدی در سیستم‌های ساده خودرو – مثل شل کردن شلنگ آب یا سوراخ کردن رادیاتور – شرایطی را فراهم می‌کنند که راننده ناچار به توقف شود. در ادامه، امدادگران متفرقه با وانمود به کمک، مقادیر زیادی آب به موتور اضافه می‌کنند تا ترکیب «آب و روغن» شبیه خرابی واشر سرسیلندر جلوه کند. برای یک راننده عادی، این صحنه چیزی جز خرابی جدی موتور نیست. در مرحله بعد، خودرو با وعده تعمیرات اساسی به تعمیرگاهی منتقل می‌شود که از قبل با امدادگر قا‌لابی هماهنگ است. در آنجا، موتور بی‌دلیل باز می‌شود، قطعاتی تعویض می‌شوند و خودرو برای چند روز متوقف می‌ماند. در پایان، مالک خودرو با فاکتوری سنگین، گاه تا چند صد میلیون تومان، روبه‌رو می‌شود. این فرآیند چیزی کمتر از یک سرقت سازمان‌یافته نیست.

رانندگان در شرایط بحرانی – به‌ویژه هنگام سفرهای بین‌شهری یا در نیمه‌شب – ناگزیرند به اولین امدادگری که به تماس آنان پاسخ می‌دهد، اعتماد کنند. همین آسیب‌پذیری، فرصت طلایی برای مجرمان ایجاد می‌کند. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد برخی تعمیرگاه‌ها به کانون چنین کلاهبرداری‌هایی تبدیل شده‌اند. ادامه این روند نه‌تنها خسارات مالی سنگینی به شهروندان تحمیل می‌کند، بلکه می‌تواند فجایی همچون مرگ «نگار» را تکرار کند، از همین‌رو مقابله با این شبکه، نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات فوری است از جمله اطلاع‌رسانی آنلاین بر امداد خودروهای فعال توسط وزارت صمت یا پلیس راهور، الزام شماره‌گذاری و صدور بارکد قابل‌اسکن برای امدادخودروها و تعمیرگاه‌های مجاز تا شهروندان بتوانند از اصالت خدمات اطمینان یابند، اطلاع‌رسانی گسترده رسانه‌ای درباره روش‌های کلاهبرداری و آموزش نحوه شناسایی امدادگران مجاز، توسعه اپلیکشن‌های رسمی امداد خودرو برای دسترسی سریع رانندگان به خدمات معتبر و فرهنگ‌سازی عمومی برای احتیاط رانندگان در مواجهه با خرابی خودرو، به‌ویژه در سفرهای خانوادگی و بین‌شهری.

کلاهبرداری از طریق شبیه‌سازی خرابی‌فنی خودرو، پدیده‌ای نوظهور اما بسیار خطرناک است.

متأسفانه تاکنون هیچ مرجع رسمی موضع جدی برابر آن اتخاذ نکرده و خل‌انظارتی موجب گسترش قربانیان شده‌است. در دل هر سناریوی خرابی ساختگی، نه‌تنها میلیون‌ها تومان

خسارت مالی نهفته است، بلکه جان شهروندان نیز در معرض تهدید قرار دارد.

اکنون زمان آن است که قانونگذار، نهادهای نظارتی و رسانه‌ها با همکاری یکدیگر، جلوی این چرخه مجرمانه را بگیرند. امنیت جانی و مالی شهروندان در گروی اقدام فوری، شفاف‌سازی و نظارت هوشمندانه است. پیش از آنکه قربانی بعدی در جاده‌ای خلوت یا بزرگراهی شلوغ به سرنوشت تلخ دیگری دچار شود.

پلیس: مراقب نسخه‌های جعلی شادباشید

رئیس پلیس فتای استان گیلان درباره نصب نسخه‌های غیر رسمی نرم‌افزار «شاد» هشدار داد و تأکید کرد که نصب نسخه‌های غیر رسمی این برنامه می‌تواند به نفوذ بدافزارها و سرقت اطلاعات منجر شود. سرهنگ امیرحسین قتی‌مهر گفت: استفاده از اپلیکشن «شاد» به‌عنوان بستر رسمی آموزش مجازی را منافع معتبر آموزش و پرورش است و نسخه‌های غیر رسمی می‌تواند باعث نفوذ بدافزار و سرقت اطلاعات کاربران شود. رئیس پلیس فتای استان همچنین بر اهمیت حفظ حریم خصوصی دانش‌آموزان تأکید کرد و گفت: بازنگاری تصاویر شخصی، اطلاعات هویتی و داده‌های حساس در گروه‌های آموزشی می‌تواند زمینه سوءاستفاده افراد سودجو را فراهم کند. سرهنگ قتی‌مهر، نقش والدین در نظارت بر نحوه‌استفاده فرزندان از شبکه‌های اجتماعی را مهم‌ر دانست و توصیه کرد: دانش‌آموزان از کلیک روی لینک‌های ناشناس یا مشکوک خودداری کنند، چرا که این لینک‌ها ممکن است حاوی بدافزار یا صفحات جعلی فیشینگ باشند.

بازداشت سارقان موبایل‌قاپ پایتخت باشلیک پلیس

سرکلانتر چهارم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری اعضای باند موبایل‌قاپی هنگام ارتکاب جرم در محدوده نارمک خبر داد.

به گزارش «عوان»، سرهنگ صادق ضروئی گفت: پس از مراجعه یکی از شهروندان به کلانتری و اعلام سرقت تلفن همراه خود توسط سارقان موتورسوار، بلافاصله عملیات شناسایی و دستگیری متهمان در دستور کار تیم عملیاتی کلانتری ۱۲۷ نارمک قرار گرفت. وی افزود: مأموران با بررسی‌های میدانی موفق به شناسایی هویت سارقان شدند و مشخصات آنها را در اختیار گشت‌های موتوروی و خودرویی پلیس قرار دادند. ساعاتی بعد مأموران هنگام گشت‌زنی هدفمند، سارقان را در حال پرس‌سزنی و زانگ‌زنی شهروندان مشاهده کردند و پس از تعقیب و گریز کوتاه، با به کارگیری قانون استفاده از سلاح، موفق به متوقف کردن موتورسکلت و دستگیری دو سارق شدند. سر کلانتر چهارم پلیس پیشگیری پایتخت اضافه کرد: در ادامه تحقیقات، مخفیگاه متهمان شناسایی و همدست دیگر آنها نیز طی عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. در بازرسی از مخفیگاه این باند، پنج دستگاه تلفن همراه مسروقه و دو قبضه سلاح سرد کشف و ضبط شد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۳ و ۴ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر آرای ۱۳۹۴/۰۳/۲۷، ۱۳۹۴/۰۶/۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ هیات قانون تعیین تکلیف..... موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی..... چمستان..... تصرفات مالکانه و بلامعارض متناقضی آقای / خانم سیده فاطمه زاهد فرزند سیدحسین نسبت به شناساندگ یک قطعه زمین خشکزاری با کاربری زراعی به مساحت ۲۸۱/۰۰ مترمربع به شماره پلاک ۷۱ فرعی از ۱۱ اصلی واقع در قره به امیابرده بخش ۲ خریداری شده از آقای و خانم مرتضی تقی زاده محرز گردیده است

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دنوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند ، باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل ثبت تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکل به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه محل را ارائه نکند، اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مائع عمومی از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹
شاه آگهی: ۲۰۰۷۶۶۰
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان – عین اله تیموری



۲ کشته در تصادف آتشین خودروهای سوخت‌بر

رئیس پلیس راه استان هرمزگان گفت که تصادف آتشین دو خودروی سوخت‌بر دو کشته بر جای گذاشت، تحقیقات حاضر نشد خواسته خود را مطرح کند. اما دادستانی با استناد به مدارک موجود، صدور حکم قصاص را خواستار شد. دفاعیات وکلا و پایان جلسه در ادامه جلسه، وکیل مدافع متهم با ارائه توضیحاتی بر بی‌گناهی موکل خود تأکید کرد و قتل را ناشی از دفاع مشروع دانست. در پایان جلسه، هیئت قضایی برای صدور حکم وارد شور شد.

سرهنگ حق پرست گفت: دو روز قبل مأموران پلیس راه از حادثه رانندگی در ۱۵ کیلومتری محور میناب به جاسک و محدوده روستای قادرخانی با خبر و این نوع وسایل نقلیه به دلیل بار غیریمن، سرعت بالا و رانندگی پرخطر، تهدید بزرگی برای جان خود و دیگران هستند.